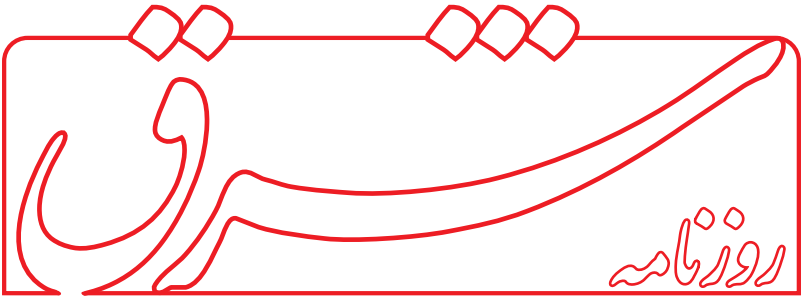




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹، ۸۸۶۵۸۵۷۵
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۱۲۱۰-۵
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران: آذان ظهر ۱۳:۱۰ آذان مغرب ۲۰:۴۲ آذان صبح فردا ۴:۴۱ طلوع آفتاب ۶:۱۶



شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۰ - ۵ رمضان ۱۴۳۲ - ۶ آگوست ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۳۱۲ - شماره ۳۸۸ دوره جدید - ۸ صفحه - ۲۸۰ صفحه ضمیمه

دعای روز پنجم ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ واجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ الْفَائِزِيْنَ واجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ اَوْلِيَّائِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ بِرَأْفَتِكَ يَا رَحْمَ الرَّاحِمِيْنَ

خدایا قرارم ده در این ماه از آمرزش خواهان و قرارم ده در آن از بندگان شایسته فرمانبرداریت و بگردانم در این روز از اولیاء مقرب در گاهت به مهرت ای مهربانترین مهربانان

کاروانسرا

اندر انتخاب وزیر ورزش

سارا فرهنگد

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس* شد
یهو وزیر تعاون، وزیر ورزش شد
اگرچه روی تشک هم نرفت و خم نگرفت
مدیرکل کول‌انداز و لنگ و بزکش شد
به بوی او دل بیمار تربیت بدنی
نجات یافت ز شش‌در، ولی شش و بش شد
تخصص ار که ندارد به ما چه این حرف‌ا؟
فضول رفت جهنم ولی مفتش شد!
اگرچه دیر رسیده است و نیست این کاره
اگرچه غوره ورزش شبیه کشمش شد،
و گرچه موی دلیران سفید شد اما،
کنون به آمدنش موی کل ما مش شد!
مجلس همان مجلس است. چون این مدت
مملکت وزیر ورزش نداشت، شاعر نتوانسته به
تفریحات سالم بپردازد و به مواد مخدر پناه آورده
و حرف زدش این‌طوری شده.

رباعیات اخلاقی

با هر که رفیق مستمر خواهی شد
هشدار که زود کلک بر خواهی شد
چون تا که دری به تخته بر خورد کنده
فی‌القور توسطش دودر خواهی شد
ای دوست اگر که نیست پول و پارتنی
عاجز تو ز شارز کردن سیم‌کارتی،
بیهوده به بنز و سانتافه فکر نکن
چون تا به ابد تویی و این بی‌ارتی

خبر آخر

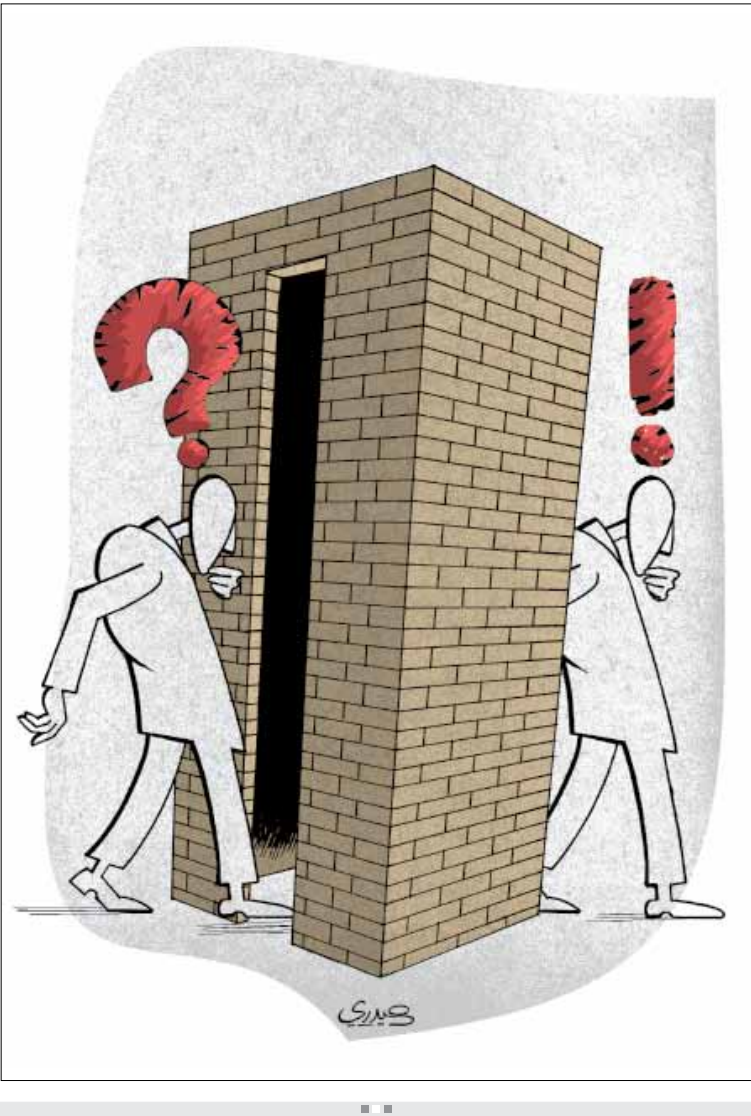
سلام آقای مالر در شهر کتاب مرکزی

■ شرق: فروشگاه مرکزی شهر کتاب میزبان «گوستاو مالر» است. این برنامه امروز ۱۵ مرداد از ساعت ۱۸:۳۰ در شهر کتاب مرکزی برگزار خواهد شد.

کارتون
خواب

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



فرهنگ زمان ما

به بهانه صحنه‌ای از فیلم آقابوسف

اگروتیسم در چندقدمی



روبرت صافاریان

■ در فیلم آقابوسف که این روزها بر پرده سینماهاست، شخصیت اصلی فیلم کارمندی بازنشسته است که در خانه‌های مردم به عنوان کارگر نظافتچی کار می‌کند و بیننده هم همراه او وارد زندگی خانواده‌های مختلف می‌شود. یکی از خانواده‌ها ارمنی است. نقش شوهر خانواده را یکی از دوستان بازی کرده بود و امیدوار بودم که این بار در یک فیلم ایرانی شاهد تصویری ملموس و باورپذیر از فضای یک خانه ارمنی باشم، اما آنچه در فیلم می‌بینید همان کلیشه همیشگی خانواده ارمنی است که به دکور و اطوارها و شیوه زیست «فرهنگی‌تر» و متجددتر خلاصه شده است. در این مجال کوتاه نمی‌توانم به عنصراهایی بپردازم که باعث می‌شوند فضای خانه ارمنی در فیلم ایرانی درنیابید. اما می‌توانم بگویم که این مساله فنی نیست. مساله این است که خانه‌ها روح دارند و فیلمساز ایرانی این روح را نمی‌شناسد. شناختی که حاصل تجربه زیسته باشد. و این محدود به فیلم آقابوسف نیست. کارگردان قوی‌تری مانند کیانوش عیاری هم در فیلم بودن یا نبودن با وجود اختصاص مدت‌زمان طولانی‌تری به خانواده ارمنی، توفیق چندانی در این کار ندارد. شخصیت‌های ارمنی سریال هزارستان علی‌حاجتی هم همین‌طور هستند. اما موضوع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که حتی وقتی کارگردان فیلم ارمنی است، باز با همین پرداخت کلیشه‌ای روبه‌رو هستیم، چنانکه در فیلم تردید واروژ کریم‌مسیحی. وقتی کلیشه‌ای شکل می‌گیرد، حتی کسی که تجربه مستقیم و ملموس از موضوع دارد، تحت تاثیر کلیشه عمل می‌کند. در اینجا به اشاره به چند نکته اکتفا می‌کنم:

– اصلا کارکرد صحنه خانواده ارمنی در فیلم آقابوسف چیست؟ اگر این صحنه نبود یا اگر این خانواده ارمنی نبودند، چه تغییری در فیلم به وجود می‌آمد؟ احتمالا هر که فیلم را دیده موافقت خواهد کرد که تقریبا هیچ. حضور این خانواده احتمالا کوششی است از سر حسن‌نیت برای نشان دادن تنوع فرهنگی جامعه ایرانی. از سویی دیگر، فرض بر این است که فضای خانه ارمنی نوعی جذابیت برای فیلم به همراه می‌آورد. نوعی جانشینی برای تنوع و جذابیت و همین‌طور به ادای دین به دوستان و خانواده‌های ارمنی که بسیاری از روشنفکران هم‌نسل رفیعی، کارگردان فیلم، در میان‌شان دوستانی و از دوران کودکی خاطره‌ای دارند. همه اینها خوب. اما نکته این است که این حسن‌نیت با شناخت از درون همراه نیست (و شاید نمی‌تواند باشد). کاستن یک فضای فرهنگی از گاتیک به تعدادی نشانه، قراردادی است و بس. این تقلیل‌گرایی است که فاصله‌های قومی و فرهنگی را برجسته می‌کند. آنچه در این فیلم می‌بینیم خانواده ارمنی – ایرانی است از دید یک ایرانی غیرارمنی.

– و این مساله‌ای است که تنها از سوی مخاطب ارمنی قابل تشخیص است. مخاطب غیرارمنی شاید اصلا متوجه موضوع نشود. در حالی که همین مخاطب وقتی یک فیلم آمریکایی مانند خانه‌ای از شن و مه را می‌بیند نسبت به بازسازی فضای خانواده ایرانی در آن فیلم حساسیت نشان می‌دهد و آن را تا حدود زیادی باورناپذیر و مصنوعی می‌یابد. اجازه بدهید از همین نمونه استفاده کنم و بگویم که بازسازی زندگی خانواده ایرانی در آن فیلم در مقایسه با بازسازی فضای خانواده ارمنی – ایرانی در فیلم‌های ایرانی، فوق‌العاده خوب است.

– یکی از دلایل مصنوعی نمودن فضای خانواده ارمنی، زبانی است که آدم‌ها بدان تکلم می‌کنند. اگر این زبان را فارسی بگیریم، مصنوعی است، چون ارمنه در خانه‌هایشان با هم ارمنی حرف می‌زنند. البته در صحنه مورد بحث ما از فیلم آقابوسف کاراکترها وقتی با هم صحبت می‌کنند، به ارمنی حرف می‌زنند. اما ارمنی‌ای که آنها به آن تکلم می‌کنند شباهت اندکی دارد با ارمنی زنده و واقعی که در خانه‌های ارمنی شنیده می‌شود. آنچه در فیلم می‌شنویم در مجموع ادبی و لفظ قلم است و خالی از کلمات فارسی، در حالی که زبان واقعی ارمنه ایران محاوره‌ای است و بسیار آمیخته به کلمات فارسی.

آیا چنین است که همان‌طور که آدم‌ها هرگز همدیگر را در عمق نمی‌شناسند، اقوام و فرهنگ‌ها هم در نهایت قادر نخواهند بود از درون یکدیگر را بشناسند و همیشه برای یکدیگر به عنوان چیزی ناشناختنی و اگروتیک (به مفهوم غرابت زیبا) باقی خواهند ماند؟ اگروتیسمی در چندقدمی که برای دیدنش دیگر لازم نیست مسافت‌های طولانی ببیمایی، بلکه در همسایگی‌ات حضور دارد.

محمد شمس‌لنگرودی

شاعر و نویسنده



■ عشق سوءتفاهمی است که با ازدواج برطرف می‌شود.
■ بچه که بودم، داشتم به یکی از شهرهای نزدیک می‌رفتم؛ پدرم گفت آنجا به تعارف به کسی نگو «نوکرسم». شگفت‌زده نگاهش می‌کردم، گفت باور می‌کنند. بعدا فهمیدم بسیاری باور می‌کنند.
■ در یک بعدازظهر گرم کلافه‌کننده تابستانی، پس از

تغییر

مهر طه

سعید مدنی

جامعه‌شناس و پژوهشگر



اواخر هفته گذشته شانس آن را داشتم تا افطار در کنار خانواده مهر طه باشیم. مهر طه، خانواده بزرگی است که نزدیک به ۱۰ سال است با چنگ و دندان از دختران خود در برابر همه تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی حمایت می‌کند. مهر طه یکی از صدها موسسه غیرانتفاعی و خیریه‌ای است که با تلاش گروه کوچکی از خیرین، بنیان نهاده شد تا سرپناهی باشد برای دختران نیازمند سرپرست. در میان موسسات خیریه تعداد مراکزی که متعهد به نگهداری شیان‌روزی دختران هستند از تعداد انگشتان دست‌ها تجاوز نمی‌کند. مهم‌ترین دلیل این احتیاط خیرین برای ارایه این خدمت، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های مدیریت و نگهداری شیان‌روزی دختران است. همه آنهایی که فرزند دختر دارند، می‌دانند که دغدغه‌های نگهداری ۵۰ دختر در دامنه سنی پیش از دبستان تا فارغ‌التحصیلی دانشگاه و شافل یعنی چه. مدیران مهر طه فقط دغدغه نگهداری دختران و تامین نیازهای اولیه آنها را ندارند بلکه آنها بسیار بیشتر و جدی‌تر از هر پدر و مادری نگران سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دختران‌شان هستند. تغذیه مناسب، آموزش و تحصیلات، مشاوره و حل مسایل روحی و روانی، بهداشت و درمان و دهها مساله و موضوع ریز و درشت، فهرست مسایلی است که مدیریت مهر طه و همکاران آن باید به‌طور شیان‌روزی به آنها توجه کنند. مهر طه نمونه برجسته‌ای از نقشی است

گران‌ترین ستارگان هالیوود

شرق: با نفوذترین زنان جهان، پردرآمدترین شرکت‌های جهان، ثروتمندترین‌های دنیا و... نمونه‌ای از عناوین فهرست‌هایی است که توسط نشریه «فورس» منتشر می‌شود و حالا در جدیدترین فهرست خود، این نشریه بحث دارد به معرفی پردرآمدترین بازیگران مرد هالیوودی در بازه زمانی می ۲۰۱۰ تا می ۲۰۱۱ پرداخته است. تا پیش از این هم بارها «فورس» گزارش‌هایی از این دست را منتشر کرده اما این‌بار فهرست منتشرشده از اختلاف زیاد در آمد بازیگران مرد زن هالیوودی خبر می‌دهد. «لئوناردو دی‌کاپریو»، «جانی دب» و «تام هنکس» در فهرست تازه منتشرشده بالاتر از دیگر بازیگران مرد هالیوود قرار دارند. سال ۲۰۱۰ برای «دی‌کاپریو» بسیار خوب بود. فروش دو فیلم «شاترلند» و «تلقین» با بازی این بازیگر به بیش از ۱/۲ میلیارد دلار در دنیا رسید و باعث شد درآمد این بازیگر به ۷۷ میلیون دلار برسد. «جانی دب» که دومین بازیگر پردرآمد هالیوود است توانست در بازه زمانی مورد آرزایی «فورس» ۵۰ میلیون دلار درآمد داشته باشد. «تام هنکس» دیگر بازیگر هالیوود، با وجود اینکه فیلم جدیدش «ری‌کراون» در گیشه‌های فروش خیلی موفق نبود اما درآمدی نزدیک به ۳۵ میلیون دلار داشت. ماه پیش نیز «فورس» فهرست پردرآمدترین زنان هالیوودی را منتشر کرد و «آنجلینا جولی» و «سارا جسیکا پارکر» به اتفاق صدرنشین فهرست پردرآمدترین بازیگران زن هالیوود

گروس عبدالملکیان در جشنواره «صداهاى زنده»

اسمال نیز «گروس عبدالملکیان» از ایران در این جشنواره حضور دارد که تاکنون در شش برنامه به شعرخوانی، سخنرانی و گفت‌وگو پرداخته است. جلسات شعرخوانی و سخنرانی فستیوال صداهاى زنده در فضاهای متنوعی چون باغ بزرگ شهر ست، خیابان‌های این شهر و همچنین در عرشه کشتی‌ها برگزار می‌شود. هدف اصلی این جشنواره علاوه بر نمایش صداهاى گوناگون امروز شعر جهان، نزدیکی هرچه بیشتر مخاطبان و علاقه‌مندان ادبیات با شاعران امروز و آوردن هرچه بیشتر شعر به میان مردم است.



شرق: در هفته گذشته سومین دوره جشنواره جهانی شعر «صداهاى زنده» با حضور گروس عبدالملکیان از ایران در فرانسه افتتاح شد. در این جشنواره که هر ساله در فصل تابستان و در شهر «ست» زادگاه پل والری شاعر سمبولیست و معروف فرانسوی برگزار می‌شود، در سال جاری شاعرانی از ۵۲ کشور جهان حضور به‌هم رسانده‌اند که از معروفترین آنها می‌توان به چهره‌هایی چون آدونیس، برونو موسی، نوری جراح و صلاح استنبه اشاره کرد. در دو سال گذشته «محمدعلی سیالو» و «شمس‌الدودی» به عنوان نمایندگان شعر ایران به این فستیوال دعوت شده بودند و

